اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفدهم)

استراق سمع

و

سماع

۱. استراق سمع

استراق سمع روش اجنه و شیاطین برای اخذ اطلاعات از آسمانهای دیگر است. طبق گفته خود اجنه در قرآن؛ آنان قبلا میتوانستند، از آسمان یکم از طریق برجهایی که در آن قرارداده شده است، اطلاعاتی از آسمانهای دیگر کسب کنند و از آینده

خبرهایی بگیرند. به همین خاطر در زمان فرعون، جادوگران از طریق شیاطین توانستند، زمان تولد موسی را پیدا کنند و به فرعون اعلام کنند. فرعون هم، هر بچه ای که در آن روز متولد شده بود را کشت. البته قدرت خدا بالاتر از هر قدرتی است ، زیرا موسی دقیقا در آغوش خود فرعون بزرگ شد!

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾

و به یقین ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم (۱۶)

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم (۱۷)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾

مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می کند (۱۸)

اما اکنون ، برجهای آسمان، بطرز شدیدی محافظت میشود و شیاطین نمی توانند پیامهای آسمانهای دیگر را رصد کنند و نمیتوانند فرکانسهای آن را کامل دریافت کنند.

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿٨﴾

و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم (۸)

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ﴿٩﴾

و در [آسمان] برای شنیدن به کمین می نشستیم [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می یابد (۹)

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾

و ما [درست] نمی دانیم که آیا برای کسانی که در زمینند بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است (۱۰)

اما هنوز هم استراق سمع هست. شیاطین از برجهای آسمان استراق سمع میکنند ولی از آنجا که توسط شهابهایی مورد حمله قرار می گیرند، استراق سمع آنان ناکامل است و فقط یک هزارم واقعیت است. اینطوری شیاطین دچار سر در گمی شده اند و پیامها را بسیار جزئی و بسیار ناقص دریافت میکنند و حاصل این دزدی پیام؛ چیز زیاد مهمی نیست و فقط سر در گم کننده است.

یکی از معجزات قرآن معجزه ریاضی نوزده بود. کسی تا سال ۱۹۷۴ میلادی نمی دانست که چه رازی در حروف مقطعه هست. اما حدود صد سال پیش از کشف آن توسط رشاد خلیفه، شیاطین بوسیله استراق سمع از آسمانهای دیگر؛ مطالب ناقص و مبهمی از نوزده بدست آورند. به همین خاطر شیاطین با دید ناقص خود؛ خواستند که قرآن را از رونق بیندازند و کتاب دیگری را جایگزین آن کنند و خواستند از نوزده استفاده ابزاری کنند. شیاطین بهاء الله موسس فرقه بهائیت را عَلَم کردند تا نوزده را مطرح کند. بهاء الله هم طبق آنچه که از عدد نوزده توسط شیاطین بر او

نازل شده بود، تعداد ماههای سال را نوزده ماه قرار داد و تعداد روزهای ماه را نوزده روز قرار داد و یک سری کارهای بیفایده و بی معنی دیگر. در این بین کتابهای اقدس و بیان را بیرون دادند تا جایگزین قرآن شوند. شیاطین دید ناقصی از نوزده داشتند بخاطر استراق سمع ناکامل خود از آسمانهای دیگر.

حال آنکه رابطه وقعی نوزده در زمانی که خدا تعیین کرده بود در سال ۱۹۷۴ کشف شد و روابط خارق العاده ای از تعداد حروف مقطعه و تقسیم پذیری آن بر نوزده کشف شد که عملا ثابت کرد که قرآن آخرین کتاب خداست و روابط فوق العاده ای بر آن حکم فرماست.آیه ای از سوره جن واقعیت جالبی را میگوید:

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾

و آنها [نیز] آن گونه که [شما] پنداشته اید گمان بردند که خدا هرگز کسی دیگر را مبعوث نخواهد کرد (٧)

با توجه به آیه بالایی که جنیان می گویند که : وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا **یعنی مردم زمان پیامبر محمد و جنیان هیچکدام نتوانستند تشخیص دهند که بعد از مسیح پیامبر دیگری خواهد آمد و همگی فکر میکردند که با آمدن مسیح، بعثت تمام شده است. زیرا از زمان تولد مسیح به بعد، توانایی استراق سمع از شیاطین گرفته شده بود. به همین خاطر کارهای آنان ناقص است و بعد از مسیح به کنه و عمق مطالب وحی پی نمی برند. دلیل این کار آن است که زمان تولد مسیح**

نشانه ای بود برای قیامت و خدای حکیم از آن تاریخ به بعد، شیاطین را در استراق سمع محدود کرد.

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

و همانا آن نشانه ای برای [فهم] رستاخیز است پس زنهار در آن تردید مکن و از من پیروی کنید این است راه راست (۶۱)

خدا از آن روز به بعد؛ کار را بر شیاطین سخت کرد و سیطره آنانرا کاهش داد و البته شیاطین در نهایت تمام سیطره خویش را از دست میدهند و وارد محیط جهنم میشوند که جهنم محیطی است که در آن سیطره شیاطین به صفر میرسد و همگی در غل و زنجیر به سر می برند.

آنان نتوانستند از معجزه ریاضی نوزده برای اهداف خود استفاده کنند. زیرا معجزه ریاضی نوزده برای اثبات کتاب قرآن به عنوان معجزه تمام قرنها انتخاب شده بود. آنان بعد از مسیح و قبل از نزول قرآن از شنیدن پیامها از آسمانهای دیگر معزول شدند. زیرا خدا نمی خواست که آنان به پیامهای مخفی قرآن دست پیدا کنند. زیرا خدا برای قرآن تا قیامت برنامه دارد و هر بار سرّی از اسرار آن کشف میشود و به عنوان آیت و معجزه به مردم جهان نشان داده میشود.

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿۶﴾
ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم (۶)

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ﴿۷﴾
و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم (۷)

لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿۸﴾
[به طوری که] نمی توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می شوند (۸)

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿۹﴾
با شدت به دور رانده می شوند و برایشان عذابی دایم است (۹)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿۱۰﴾
مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می تازد (۱۰)

استراق سمع یکی از روشهای شیاطین است که به نوعی دزدی از آسمانهای دیگر است و عملا بیچاره بودن و بی مطلب بودن شیاطین را ثابت میکند. آنان نمی توانند برای آینده کره زمین مثل زمانهای قدیم، نقشه بکشند. شیاطین و اجنه حتی برای کسب اخبار آینده زمین حاضرند خود را در معرض شهابها قرار دهند .

جنیان اعتراف میکنند که: وَ أَنّا لا نَدْرِی أَ شَرٌّ أُرِیدَ بِمَنْ فِی الْأَرْضِ أَمْ أَرادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَداً . **یعنی آنان اکنون توانایی استراق سمع از آسمانهای دیگر را ندارند و نمی دانند که سرنوشت**

زمین چطور خواهد شد. اگر مطالبی هم دزدیده میشود؛ آنچنان ناقص است که خود شیاطین حرفه ای هم نمی دانند چطوری سر و ته آن را جمع کنند.

اما کسانی که در جادو می افتند و در توهمات و شعر و آهنگها و فضای آلفا می افتند، از این روش شیاطین در زندگی خویش زیاد بهره می برند. مثلا گاهی میان افراد ، شک و گمانهایی نسبت به هم پیش می آید که براساس یک حدس و گمان پیش آمده است و فقط یک حدس و گمان است و بر پایه همین حدس، همدیگر را قضاوت میکنند و گاها کارشان به جنگ و دعوا میکشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است (۱۲)

یا گاهی در خانواده ها، زن و یا مرد برای پیش برد و مالک شدن زوج خود؛ او را وارد یک حدس و گمان میکنند و سعی میکنند که همدیگر را مالک شوند. به همین خاطر عشق یک فلسفه کاملا شیطانی است و بر مبنای استراق سمع پیش میرود. در عشق، طرفین از همدیگر دستاویز و بهانه گیر می آورند و بوسیله آن ، سعی میکنند طرف مقابل را کنترل کنند و طرف مقابل را مالک شوند.

روشهای شیاطین برای زندگی براساس شک و گمان، استراق سمع، حدس و گمان، غیبت ، کینه ، خشم ، عصبانیت و ... بنا شده است؛ اما روشهای خدای مهربان برای زندگی بسیار زیباست و براساس صفات خوب، مهربانی ، مودت و رحمت ، بخشش و کمک به دیگران بنا شده است.

۲. سماع

سماع یکی از مراسمهای آیینهای تصوف است که عبارت است از خلسه گی ناشی از شنیدن بعضی نواها و اشعار ؛ هر چند که آنان تعریف دیگری از آن دارند و فکر میکنند که نغمات الهی را گوش میکنند و عرش را صدا میکنند. همانطور که فرزند مولوی در وصف رقص سماع پدرش میگوید:

نیست این را نهایت آن سلطان باز گو چون شد از فراق و چسان

روز و شب در سماع و رقصان شد بر زمین همچو چرخ گردان شد

بانگ و افغان او به عرش رسید ناله اش را بزرگ و خرد شنید

یک زمان بي سماع و رقص نبود روز و شب لحظه اي نمي آسود

در بند قبلی گفته شد که شیاطین برای کسب اطلاعات و اطلاع از سرنوشت زمین و زمینیان؛ از آسمانهای دیگر استراق سمع میکنند و آنها به پیروی از این فلسفه؛ چنین سیستم شنیداری را برای انسان گذاشتند تا انسانها از شیاطین سمع کنند. زمانی که انسانها از نظر فرکانس مغزی به حالت آلفا برسند؛ تحت نفوذ شیاطین قرار می گیرند و شیاطین آنان را جادو میکنند. رقص سماع و اشعار جهت چنین امری طراحی شده است تا مردم خود را به حالت خلسگی ببرند و تحت نفوذ شیاطین قرار گیرند. اما از آنجا که انسانها شیاطین را نمی بینند؛ فکر میکنند که با عرش خدا تماس گرفته اند و دارند با رقص سماع و خواندن اشعار از امور غیبی مطلع میشوند.

بیشتر شعراء شعرهایشان را در این حالت می سروده اند . به گفته بدیع الزمان فروزان فر؛ افلاکی در شرح حال جلال الدین رومی نوشته:

در آن غلیان شور و سماع که مشهور عالمان شده بود ازحوالي زرکوبان مي گذشت، مگر آواز ضرب تق تق ایشان به گوش مبارکش رسیده از خوشي آن ضرب شور عجیبي در مولانا ظاهر شد و به چرخ درآمد، شیخ نعره زنان از دکان خود بیرون آمد و سر در قدم مولانا نهاده بیخود شد، مولانا او را در چرخ گرفته، شیخ از حضرتش امان خواست که مرا طاقت سماع خداوندگار نیست، همانا که به شاگردان دکان اشارت کرد که اصلا ایست نکنند و دست از ضرب باز ندارند، همچنان از وقت نماز ظهر تا نماز عصر مولانا در سماع بود.

زرین کوب می گوید: رقص در نزد مولوي اهمیت خاصي داشت، خود مولانا حتي در کوچه و بازار بسا که با اصحاب به رقص در مي آمد، چنان که یک بار در بازار

زركوبان اين حالت بر وي دست داد، و گويند حتي جنازه صلاح الدين زركوب را نيز به اشارت مولانا، با رقص و دف به قبرستان بردند.

به این طریق مشخص میشود که کسی مثل مولوی بسیار به سماع اهمیت میداده است و اکثر شعرهایش در حالات سماع توسط اجنه بر او نازل میشده است. در این مراسم، افراد با شنیدن نواها و اشعار خاصی از خود بی‌خود می‌شوند و به خیال خود، به خدا نزدیکتر میشوند. حال آنکه آنان ناخواسته تحت کنترل شیاطین قرار میگیرند و به روان آنان ، چیزهایی دیکته میشود و جادو میشوند. در قسمتهای قبلی مفصل در مورد خواستگاه خلسگی صحبت شد و ثابت شد که شعراء مهمترین قشری هستند که در قرآن از آنان به بدی یاد شده است و اهداف شاعران درست برخلاف اهداف وحی است.